فرمود: «اى ابلیس، تو را چه شده است که با سجده‌کنندگان نیستى؟» (32) گفت: «من آن نیستم که براى بشرى که او را از گِلى خشک، از گِلى سیاه و بدبو، آفریده‌اى، سجده کنم.» (33) فرمود: «از این [مقام‌] بیرون شو که تو رانده‌شده‌اى. (34) و تا روز جزا بر تو لعنت باشد. (35) گفت: «پروردگارا، پس مرا تا روزى که برانگیخته خواهند شد مهلت ده.» (36) فرمود: «تو از مهلت‌یافتگانى، (37) تا روز [و] وقت معلوم. (38) گفت: «پروردگارا، به سبب آنکه مرا گمراه ساختى، من [هم گناهانشان را] در زمین برایشان مى‌آرایم و همه را گمراه خواهم ساخت، (39) مگر بندگان خالص تو از میان آنان را.» (40) فرمود: «این راهى است راست [که‌] به سوى من [منتهى مى‌شود]. (41) در حقیقت، تو را بر بندگان من تسلّطى نیست، مگر کسانى از گمراهان که تو را پیروى کنند، (42) و قطعاً وعده‌گاه همه آنان دوزخ است، (43) [دوزخى‌] که براى آن هفت در است، و از هر درى بخشى معین از آنان [وارد مى‌شوند]. (44) بى‌گمان، پرهیزگاران در باغها و چشمه‌سارانند. (45) [به آنان گویند:] «با سلامت و ایمنى در آنجا داخل شوید.» (46) و آنچه کینه [و شائبه‌هاى نفسانى‌] در سینه‌هاى آنان است برکنیم؛ برادرانه بر تختهایى روبروى یکدیگر نشسته‌اند. (47) نه رنجى در آنجا به آنان مى‌رسد و نه از آنجا بیرون رانده مى‌شوند. (48) به بندگان من خبر ده که منم آمرزنده مهربان. (49) و اینکه عذاب من، عذابى است دردناک. (50) و از مهمانان ابراهیم به آنان خبر ده، (51)